

تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی ایران، بر اساس قانون اساسی، سند سیاست‌های فرهنگی و برنامه پنجم توسعه

تقی آزاد ارمکی^۱ * نوح منوری^۲

چکیده

در این مقاله سیاست‌های فرهنگی کنونی ایران بر اساس سه متن قانون اساسی (اصول مربوط به فرهنگ)، سند سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی) و برنامه پنجم توسعه (فصل فرهنگ) به روش تحلیل محتوا مورد ارزیابی قرار گرفته است. طرح تحقیق تحلیل محتوا، در قالب هشت متغیر و مقولات متناسب با هر کدام از این متغیرها، از مطالعات پیشین استخراج شده و برای تحلیل محتوای نمونه‌های انتخاب شده از سیاست‌های فرهنگی کنونی ایران استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سیاست‌های فرهنگی ایران واجد ویژگی‌های مثبتی از جمله ساخت ارزش‌ها و مفاهیم والا، مقابله با فرهنگ مهاجم جهانی، ممانعت از سوداگری در فرهنگ و توجه به زیرساخت‌های فرهنگ است. مشکلات و ویژگی‌های منفی سیاست‌های فرهنگی ایران عبارت است از: وسعت مفهوم فرهنگ، کلی بودن، دولتی بودن، ابهام، تناقض و عدم اولویت‌بندی و تفکیک مناسب.

واژگان کلیدی: فرهنگ، سیاست فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی، قانون اساسی، برنامه پنجم توسعه و سند سیاست‌های فرهنگی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی • سال اول • شماره سوم • تابستان ۱۳۹۱ • صص ۳۷-۷

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۹ تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۱۹

۱. استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران. tazad@ut.ac.ir
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی (نویسنده مسئول). monavvay@ut.ac.ir

مقدمه

فرهنگ موضوع بسیاری از گزارشات و مقالات و کتاب‌ها و همایش‌هاست. بسیاری از سیاست‌گذاری‌ها، مصوبات و قوانین کشور مربوط به فرهنگ است. کارکردهای فرهنگ، از جمله انسجام‌بخشی، قالب‌ریزی شخصیت، سازگاری با محیط و هویت‌بخشی باعث شده است بسیاری از کشورها، برنامه‌هایی برای مدیریت فرهنگ داشته باشند، هر چند تعریف، دامنه و گستره آنها با هم متفاوت است. در چند سال اخیر بحث مهندسی فرهنگی در ایران مطرح شده است که بر ضرورت بازنگری و بازسازماندهی برنامه‌ها و فعالیت‌ها در عرصه فرهنگ تأکید می‌کند. بنابراین سیاست‌گذاری فرهنگی^۱ در ایران به صورت یک ضرورت شناخته شده است.

سیاست فرهنگی^۲ در معنای عام خود، در دل روابط اجتماعی و جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی و مردمی جاری است. پرداختن به موضوع سیاست فرهنگی نشان‌دهنده این واقعیت است که فرهنگ، امری رها و خودانگیخته نیست، بلکه در یک جامعه از طریق سازوکارهای رسمی و غیررسمی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، موجودیت‌های اجتماعی و سیاسی، هر یک به نحوی سعی در جهت‌دهی به فرهنگ دارند. این جهت‌دهی می‌تواند وسیع و فراگیر یا محدود به حوزه‌های خاص باشد. سیاست فرهنگی، نامی است که می‌توان به همه تلاش‌های آگاهانه، سازمان‌یافته و مبتنی بر اصول مشخص که به قصد تأثیرگذاری بر فرهنگ صورت می‌گیرد اطلاق کرد. برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران به طور رسمی به سال ۱۳۴۷ شمسی مربوط می‌شود. در این سال، اولین متن سیاست فرهنگی ایران توسط شورای عالی فرهنگ و هنر تدوین و تهیه شد. اولین برنامه‌ریزی فرهنگی ایران پس از انقلاب اسلامی، تحت عنوان «سند سیاست فرهنگی

-
1. Cultural policy-making
 2. Cultural policy

جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۳۷۱ شمسی تهیه و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. همچنین در قانون اساسی و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، بخشی تحت عنوان فرهنگ وجود دارد. نهادهای مختلف فرهنگی نیز در دولت هستند که در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی فعالیت دارند.

در همین راستا نیاز به تحقیقات متنوعی است که از ابعاد مختلف به بررسی سیاست‌های فرهنگی بپردازد. لازم است که به اهداف و سیاست‌های رسمی که از طرف مسئولین و نهادهای سیاست‌گذار فرهنگی ابلاغ می‌شود، پرداخته و عواملی که این سیاست‌ها را شکل داده مورد بررسی قرار گیرد. همچنین سیاست‌های غیررسمی و غیرمستقیم که از خلال عملکرد مدیران و سازمان‌های فرهنگی قابل شناسایی است و لزوماً در هیچ سند رسمی مکتوب نمی‌شود و تأثیر سیاست‌های فرهنگی بر جامعه و نتایج پیش‌بینی نشده آن و همچنین تحقق اهداف کمی و کیفی سیاست‌ها بررسی شود. امر دیگری که به شفاف کردن سیاست‌های فرهنگی کمک می‌کند، نگاه تطبیقی و تاریخی به مقوله سیاست‌گذاری فرهنگی است که تأثیر رقابت‌های سیاسی و مناسبات قدرت، منافع حاکمان و طبقات بالای جامعه، دغدغه‌های غیرفرهنگی، شرایط جهانی و مناسبات بین‌المللی را بر سیاست‌های فرهنگی آشکار می‌کند.

به این ترتیب، پیگیری سیاست‌های فرهنگی لزوماً به دولت ختم نمی‌شود و این مفهوم در کلی‌ترین شکل خود، ناظر به همه اقدامات هدفمندی است که در یک جامعه از جانب نهادهای مختلف در عرصه فرهنگ صورت می‌گیرد، اما در اینجا و در چارچوب این مقاله تنها به سیاست‌های فرهنگی پرداخته می‌شود که از جانب دولت تعریف و اعمال می‌شود. منظور از سیاست فرهنگی در این مقاله، مجموعه سیاست‌های رسمی و مکتوب دولتی در حوزه فرهنگ است که به قصد ایجاد تغییر در فرهنگ و دستیابی به اهداف مطلوب تصویب و ابلاغ می‌شود.

موضوع این مقاله محدود به سیاست‌های فرهنگی دولتی است که به صورت مکتوب و مصوب در دسترس است و در حال حاضر در حال اجرا و منشأ برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری و مدیریت در عرصه فرهنگ بوده و منسوخ نشده است. در واقع از یک سو، به سیاست‌ها پرداخته می‌شود (به جزئیات برنامه‌های و قوانین در حوزه فرهنگ پرداخته نمی‌شود) و از سوی دیگر، این بررسی محدود به دوره اخیر سیاست‌های فرهنگی است.

جامعه آماری سیاست‌های فرهنگی و آنچه در این مقاله تحت عنوان سیاست‌های فرهنگی رسمی ایران به آنها پرداخته می‌شوند، عبارت است از:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصولی که مربوط به فرهنگ است)
- سند سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب شورای عالی انقلاب)
- برنامه پنجم توسعه (فصل فرهنگ)

ارزیابی این دسته از سیاست‌های فرهنگی فرصت مناسبی است که به ارزش‌ها و مبانی موجود در سیاست‌های فرهنگی کشور دست یافته و اهدافی که به آنها اشاره شده است را بازشناسیم. همچنین این بررسی می‌تواند ما را با شناختی که در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی از جامعه و انسان‌ها وجود دارد آشنا کند. بررسی سیاست‌های مکتوب می‌تواند مقدمه‌ای باشد تا بر اساس آن، به ابعاد دیگر سیاست‌های فرهنگی که کمتر آشکار هستند و یا کمتر به صورت رسمی به آنها اشاره می‌شود، پردازیم. به طور کلی تحقیق پیش رو، بر آن است که با متغیرها و مقوله‌های مشخص و دقیق، به ارزیابی سیاست‌های رسمی فرهنگی کشور بپردازد.

سیاست‌های فرهنگی را می‌توان از ابعاد مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار داد. پی بردن به روابط قدرت و بازنمایی‌ها و مشروع‌سازی‌هایی که در پس اعمال سیاست‌های فرهنگی قابل شناسایی است، می‌تواند مطالعه‌ای جذاب و مفید باشد. همچنین تعیین محقق شدن یا نشدن اهداف و تشخیص پیامدهای غیرنیت‌مند اعمال سیاست‌های فرهنگی نیز اهمیت جامعه‌شناختی فراوانی دارد. نگاه تطبیقی و تاریخی به سیاست‌های فرهنگی، روش دیگری است که به تعمیق شناخت ما از سیاست‌های فرهنگی کمک خواهد کرد. روش به کار گرفته شده در این مقاله روش تحلیل محتوا^۱ است که مزایا و محدودیت‌های خاص خود را خواهد داشت.

۱. چارچوب مفهومی

در راستای هدف اصلی این مقاله - که دستیابی به تصویری دقیق از سیاست‌های فرهنگی کنونی ایران است - لازم است چارچوب ارزیابی مناسبی برای این منظور وجود داشته باشد. در این چارچوب، باید از تمایزات مفهومی مناسب و دقیقی استفاده شود که در نهایت توان

1. Content analysis

نشان دادن جهت‌گیری اصلی سیاست‌های فرهنگی و تشخیص نقاط ضعف و قوت آن را داشته باشد.

مفاهیم به کار گرفته شده در تحلیل سیاست‌های فرهنگی باید جنبه‌های مختلف سیاست فرهنگی را نشان دهد. باید دید که چه مقدار از آنچه سیاست فرهنگی نامیده می‌شود، سیاست‌گذاری به معنای واقعی کلمه است و چه مقدار صرفاً هدف‌گذاری یا ارزش‌گذاری است. سیاست باید شامل یک راه حل عملی برای حل یک مشکل یا رسیدن به یک هدف باشد. همچنین باید تشخیص داد که چه تعریفی از فرهنگ بر سیاست‌های فرهنگی مسلط است. تعریف توصیفی^۱ یا انسان‌شناختی فرهنگ، خود را در توجه به فرهنگ در کلیت آن و تکثر آن در سطح جامعه نشان می‌دهد. تعریف هنجاری^۲ فرهنگ، یک فرهنگ برتر را فرض گرفته و در جهت ترویج آن تلاش می‌کند. تعریف اسنادی^۳ یا زیبایی‌شناختی فرهنگ، ناظر به محصولات و کالاهای فرهنگی و هنری است.

در سیاست‌گذاری فرهنگی، سرمشق‌ها و پارادایم‌های اصلی وجود دارد که محتوای کلی سیاست‌ها را شکل می‌دهد. سه سرمشق شریعت‌گرا، واقع‌گرا^۴ و توسعه‌گرا، سرمشق‌هایی هستند که باید تسلط آنها بر هر بخش از سیاست‌های فرهنگی مشخص شود. سرمشق شریعت‌گرا، اصل را بر ارزش‌های مشخص دینی و ترویج آنها قرار می‌دهد. سرمشق واقع‌گرا، امور عرفی را در نظر گرفته و به تکثر فرهنگی در جامعه توجه می‌کند. سرمشق توسعه‌گرا، فرهنگ را ابزاری برای رسیدن به توسعه می‌خواهد.

شناسایی علت تدوین هر بخش از سیاست‌های فرهنگی، قسمت دیگری از چارچوب مفهوم تحقیق درباره سیاست فرهنگی را تشکیل می‌دهد. در اینجا باید تشخیص داد که سیاست‌گذاران، چه کارکردی را از فرهنگ انتظار داشته و در جهت آن سیاست‌گذاری می‌کنند. این کارکردها می‌تواند ایجاد هویت و انسجام ملی، تطهیر فضای عمومی و اصلاح جامعه، تربیت عمومی و اجتماعی کردن، حفظ تنوع فرهنگی، عمومی کردن فرهنگی و غیره باشد.

-
1. Descriptive
 2. Normative
 3. Documentary
 4. Shariah-oriented
 5. Realistic
 6. Development-oriented

شناسایی حوزه‌هایی که تحت سیاست‌گذاری قرار گرفته هم باید در دستور کار قرار گیرد. ممکن است سیاست‌های فرهنگی تنها ناظر به ارزش‌های عمومی جامعه باشد و سعی در ترویج ارزش‌های خاص داشته باشد. همچنین ممکن است به دنبال ایجاد هنجارهای خاص فرهنگی باشد. نمادها، محصولات، رسانه‌ها، نهادها، دانش و زبان، روابط بین فردی و گردشگری از دیگر حوزه‌هایی است که می‌تواند مورد هدف سیاست‌گذاری فرهنگی قرار گیرد. همچنین باید بررسی شود که چقدر در سیاست‌های فرهنگی به اقشار خاص مثل جوانان، زنان و اقلیت‌های فرهنگی توجه شده است.

هر بخش از سیاست‌های فرهنگی دارای پیش‌فرض‌های ضمنی راجع به محدود و محدود فرهنگ است: اینکه فرهنگ را مستقل و محدود در نظر بگیرد (آن را مساوی هنرها، محصولات فرهنگی و اماکن فرهنگی بداند)، یا اینکه آن را فراگیر و آمیخته با مسائل اجتماعی از قبیل دین و هنجارها و توسعه بداند. در هر مورد از سیاست‌های فرهنگی باید دید که کدام ویژگی از فرهنگ مورد تأکید بوده است: اینکه فرهنگ را عامل وحدت بداند یا عامل تمایز؛ اینکه مدام بر فرهنگ به عنوان امری که نیاز به حمایت دارد نگاه شود یا بر خودبستگی و آزادی فرهنگ تأکید شود؛ اینکه تمرکز بر آموزش فرهنگی باشد یا خودبیانگری فرهنگ به رسمیت شناخته شود؛ اینکه به فرهنگ تنها به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف دیگر نگاه شود یا به جنبه‌های هویت‌بخشی آن نیز توجه شود. در نهایت باید بررسی شود که در متن سیاست‌های فرهنگی، چه ابزاری برای اجرای سیاست‌ها تعیین شده است و چه نهادی متولی سیاست مورد نظر معرفی شده است.

همه این مفاهیم با تعاریفی که ارائه شد، چارچوب مفهومی این تحقیق را شکل خواهد داد. نتیجه‌گیری نهایی که از این تحقیق به دست خواهد آمد، مبتنی بر همین مفاهیم است.

۲. روش تحقیق

در این مقاله از روش تحلیل محتوا^۱ برای ارزیابی سیاست‌های فرهنگی ایران استفاده شده

۱. تحلیل محتوا روشی است که در وهله اول به دنبال توصیف متن و شناخت محورهای اصلی آن است. هر چند از آن در استنباط از متن درباره فرستنده، پیام، گیرنده و وضعیت اجتماعی نیز استفاده می‌شود. فرایند تحقیق در این روش شامل کدگذاری (اختصاص ارزش‌های عددی به متن بر اساس مقولات مفهومی) است و در واقع فرایند تحقیق را می‌توان در تبدیل کیفیت به کمیت خلاصه کرد. تحلیل محتوا شامل ویژگی‌هایی از جمله عینیت، کمیت، نظام‌مند بودن و اعتبار است تا به آن جنبه‌ای علمی داده و آن را از تحلیل محتوای عامیانه متفاوت سازد.

است. سیاست‌های فرهنگی (در شکل مکتوب خود) از جمله مدارک اسنادی به شمار می‌رود که تحلیل و ارزیابی آن مستلزم روش‌های بدون واکنش^۱ یا بدون مزاحمت^۲ است. تحلیل محتوا روشی است که ویژگی‌های خاص یک متن را به صورت منظم و عینی استخراج می‌کند. تحلیل محتوا غالباً مستلزم آن است که اجزای نظری و اطلاعات موضوع مورد بررسی، مشخص باشد. در واقع تحلیل محتوا بر اساس متغیرها و مقولاتی انجام می‌گیرد که به صورت قیاسی از روی ادبیات نظری به دست می‌آید. البته روش استقرای هم می‌تواند مکمل قیاس باشد.

لازم به توضیح است که تحقیق حاضر یک تحقیق تبیینی نیست و به همین دلیل به چارچوب نظری و فرضیه نیاز ندارد. در اینجا لازم است، سؤال را تجزیه کرده و با شاخص‌های مناسب به ارزیابی سیاست‌ها پردازیم. آنچه در نهایت به دست می‌آید، نتیجه‌گیری^۳ است که در واقع تقسیم‌بندی بر اساس متغیرها و مقوله‌ها خواهد بود. بنابراین به‌طور کلی، هدف این تحقیق ارائه توصیفی از سیاست‌های فرهنگی ایران در حال حاضر است.

۱-۲. ترکیب روش کمی و کیفی

روش تحلیل محتوا در این مقاله، روش کمی محسوب می‌شود، اما لازم است که درباره آن توضیحاتی داده شود. تحقیق در این مقاله، اساساً (اما نه کاملاً) مبتنی بر نظریه است و این فرق اساسی روش کمی و کیفی است. در روش کیفی، این اکتشاف است که اهمیت دارد و نظریه نه مبنایی، بلکه ارجاعی است. در این مقاله با آزمون فرضیه روبه‌رو نیستیم، چرا که کار ما توصیفی خواهد بود. همچنین در ساختن مقوله‌ها و شاخص‌ها، تنها به نظریات اکتفا نکرده‌ایم و استقرا را بر قیاس افزوده‌ایم. تنها به مقوله‌سازی و شمارش نیز نپرداخته‌ایم و تفسیر و توضیح کدها و همین‌طور نگاه کلی به هر متن مورد بررسی، قسمت مهمی از کار ما را تشکیل می‌دهد.

با این توصیفات، باید گفت که در اینجا روش کمی با روش کیفی تکمیل می‌شود. منتقدان روش تحلیل محتوای کمی، عنوان می‌کنند که در این روش بیش از اندازه به

-
1. Nonreactive
 2. Unobtrusive
 3. Conclusion

مقایسه و تطبیق فراوانی‌ها تأکید می‌شود. روش کمی خود تا حدی شامل تفسیر متن می‌شود، چرا که خود مفهوم‌پردازی و مقوله‌سازی با ذهنیت محقق صورت می‌گیرد. اما آنچه ممکن است در روش کمی نادیده گرفته شود، کلیت متن است. متغیرها و مقوله‌ها باید در زمینه کلی متن و در رابطه با یکدیگر تفسیر شوند و در نهایت به بازساخت متن و محتوا پرداخته شود. هولستی^۱ (۱۳۷۳: ۲۵) هم تحلیل محتوای کیفی را برای تکمیل تحلیل محتوای کمی پیشنهاد می‌کند، هر چند «نباید تصور کرد که روش‌های کیفی دارای بصیرتند و روش‌های کمی صرفاً روش‌های رسیدگی به فرضیه‌ها هستند. ارتباط بین این دو روش، ارتباطی دورانی است؛ هر یک از آنها بینشی را شکل می‌دهند که دیگری از آن تغذیه می‌کند». آنچه باید از آن احتراز شود، شکستن متن به اجزای کوچک‌تر، بدون در نظر گرفتن کلیت متن است.

نمونه‌گیری در این تحقیق به صورت تمام‌شماری (نمونه‌گیری کامل) انجام شده است. به عبارت دیگر، از آنجایی که حجم جامعه آماری برابر با سه است، هر سه (قانون اساسی، سند سیاست فرهنگی و برنامه پنجم توسعه) جزء نمونه‌ای هستند که مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

۲-۲. اهداف جزئی و متغیرهای تحقیق

در ذیل هدف کلی (ارزیابی سیاست‌های فرهنگی کنونی ایران) اهداف جزئی به شرح زیر تعیین می‌شود:

- شناسایی اجزای مختلف سیاست‌ها شامل مبانی، اهداف و سیاست
- شناسایی تعریفی از فرهنگ که بر سیاست‌گذاری حاکم است
- شناسایی سرمنشق و منشأ تدوین سیاست‌ها
- شناسایی علل تدوین سیاست فرهنگی (کارکرد مورد انتظار)
- شناسایی حوزه‌هایی که تحت سیاست‌گذاری قرار گرفته است
- شناسایی محدوده فرهنگ و استقلال یا آمیختگی حوزه فرهنگ با دیگر حوزه‌ها
- شناسایی ویژگی‌های مورد تأکید از فرهنگ
- شناسایی ابزار اجرا یا نهاد متولی سیاست

1. Ole R. Holsti

متناسب با هشت هدف جزئی مذکور، متغیرها و مقوله‌ها از مطالعه ادبیات موضوع استخراج شده است که در اینجا از شرح کامل آنها اجتناب می‌کنیم.^۱ در جدول ۳ متغیرها (نوع، تعریف، کارکرد و غیره) و مقوله‌ها^۲ آورده شده است. تحلیل محتوای کمی و کدگذاری متون سیاست فرهنگی بر اساس این متغیرها و مقوله‌های صورت خواهد گرفت.

۲-۳. واحد تحلیل

مهم‌ترین رکن تحقیق در تحلیل محتوای کمی، واحد تحلیل است. واحد تحلیل همان چیزی است که متن و محتوای مورد بررسی را به عناصر مجزا و یکسان تقسیم می‌کند. در این مقاله از آنجایی که متون منتخب در جامعه آماری، ممکن است متونی ناهمگون و تقسیم‌بندی شده باشند، لازم است که در انتخاب واحد تحلیل این موضوع در نظر گرفته شود. به همین دلیل هر نمونه از جامعه آماری با کوچک‌ترین واحد مستقل و معنادار آن تحلیل شده است.

۲-۴. اعتبار^۳

آنچه از اعتبار در روش تحقیق مراد می‌شود، به طور خاص مربوط به ابزار سنجش است و اینکه آیا ابزار، صلاحیت و قابلیت اندازه‌گیری چیزی را که می‌خواهیم دارد یا نه. از این لحاظ می‌توان در چند بخش راجع به اعتبار صحبت کرد.

- باید توجه کرد که جامعه آماری انتخاب شده متناسب با عنوان تحقیق باشد. با توجه به هدف این تحقیق که سیاست‌های فرهنگی کنونی ایران را مد نظر دارد، نباید جامعه آماری انتخاب شده، سیاست‌های منسوخ یا قدیمی را در دستور کار قرار دهد. در این تحقیق، جامعه آماری متناسب با موضوع انتخاب شده است.

- باید کار تجزیه سؤال به گونه‌ای باشد که در نهایت همه ابعاد موضوع مورد نظر سنجیده شود. برای این منظور، مطالعه دقیق ادبیات موضوع و همچنین کمک دیگر محققان و صاحب‌نظران کمک می‌کند. در این تحقیق با انتخاب هشت متغیر سعی شده تا ابعاد

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: تقی آزاد ارمکی و نوح منوری، «ارائه مدلی برای تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی»؛ فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۸۹: ۴۷-۷۵.

۲. مقوله‌ها، مقادیری است که هر متغیر به خود می‌گیرد. به عنوان مثال متغیر «تعریف فرهنگ»، با یکی از سه مقوله توصیفی، هنجاری و اسنادی مقادری می‌شود.

مختلف سیاست‌های فرهنگی را بررسی کند. به این شیوه، اعتبار محتوا گفته می‌شود. «اگر هدف پژوهش توصیف محض باشد، معمولاً اعتبار محتوا کافی است» (هولستی، ۱۳۷۳: ۲۲۱).

- پس از دقت در دو مورد اول و پس از به دست آوردن نتایج، می‌توان نتایج را با معیارهای جا افتاده و انتظارات قبلی تطبیق داد. در این تحقیق، با توجه به اینکه سیاست فرهنگی بخشی از کارکرد نظام سیاسی مستقر است و نظام جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر مبانی و ارزش‌های اسلامی تشکیل شده، در نهایت سیاست‌های فرهنگی نیز در این چارچوب خواهد بود. بنابراین نتایج به دست آمده نباید خارج از این چارچوب باشد.

۵-۲. پایایی^۱

منظور از پایایی این است که ببینیم آیا ابزار سنجش دارای ویژگی تکرارپذیری هست یا نه. آیا در صورت تکرار عملیات تحقیق می‌توان به نتیجه مشابهی رسید؟ به بیان دیگر اگر خصیصه مورد نظر را با همان روش تحت شرایط مشابه بیش از یک بار اندازه‌گیری کنیم، نتایج تا چه حد مشابه خواهند بود؟ در تحلیل محتوا، کدگذاری می‌تواند منشأ ناپایایی باشد، چراکه کدگذاران مختلف یا کدگذاری در شرایط مختلف، می‌تواند باعث شود متن یکسانی به طرق مختلف کدگذاری شود. در این تحقیق، با یک فاصله زمانی (یک ماه)، دو کدگذاری برای داده‌های تحقیق انجام شده و میزان پایایی تحقیق برآورد شده است.

حجم نمونه برای برآورد پایایی به این ترتیب به دست می‌آید:

$$n = \frac{(N-1)(SE)^2 + PQN}{(N-1)(SE)^2 + PQ} \quad (1)$$

N: تعداد موارد واحدهای محتوا در تحقیق) اندازه جمعیت:

P: سطح توافق جمعیت:

$$Q = (1-P)$$

n: حجم نمونه مورد نیاز برای محاسبه پایایی:

با توجه به فرمول (۱) مقدار حجم نمونه برای برآورد پایایی در این تحقیق به صورت

زیر محاسبه می‌شود:

1. Reliability

تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی ایران بر اساس قانون اساسی ... ۱۷

$N = 126 \Rightarrow (106 + 11 + 9)$: مجموع تمام موارد واحدهای محتوا در تحقیق: N

$P = 0.95 \Rightarrow$ سطح توافق جمعیت بنا بر انتخاب محقق ۹۵٪ در نظر گرفته شد: P

$Q = (1 - P) = (1 - 0.95) = 0.05$

$SE = 0.095$: برای ضریب اطمینان ۹۵٪: $SE = 1/64 = 0.015625$ (SE) $\Rightarrow SE = 0.03$

$z = 1/64$ z آزمون یک طرفه

به این ترتیب حجم نمونه تقریباً معادل ۳۸ به دست می‌آید: $n = 38/1$

برای برآورد پایایی می‌توان درصد توافق مشاهده شده میان دو کدگذاری را محاسبه کرد. درصد توافق مشاهده شده، از رابطه (۲) که روش آزمون-آزمون مجدد است به دست می‌آید:

$$C.R = \frac{2M}{N_1 + N_2} \quad (2)$$

M: تعداد تصمیم‌های مربوط به کدگذاری

تعداد تصمیم‌های کدگذاران ۱ و ۲ N_1 و $N_2 = 2$

۳۸ بند از سیاست‌های فرهنگی به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب شد. هر بند باید در ۸ متغیر کدگذاری شود که در مجموع ۳۰۴ مورد می‌شود. در کدگذاری مجدد بین ۲۶۲ مورد از ۳۰۴ مورد توافق وجود داشت. بنابراین ضریب پایایی به شیوه زیر محاسبه می‌شود:

$$C.R = \frac{2 \times 262}{304 + 304} = 0.86$$

۳. اجرای کدگذاری

در قسمت اجرایی تحقیق، ابتدا با استفاده از متغیرهای استخراج شده، دستورالعمل کدگذاری تعیین می‌شود و سپس بر اساس این دستورالعمل و واحد تحلیل، متن مورد بررسی کدگذاری می‌گردد. در ادامه جداول کدگذاری مربوط به هر نمونه خواهد آمد.

۳-۱. قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در برخی از اصول ۱ تا ۳۰ به مسائل فرهنگی می‌پردازد (۱۱ اصل). واحد تحلیل در اینجا، هر اصل از قانون اساسی است.

جدول ۱. کدگذاری قانون اساسی

اصل	نوع	تعریف فرهنگ	سرمشق و منشأ	کارکرد مورد انتظار	حوزه	محدوده فرهنگ	ویژگی مورد تأکید از فرهنگ	ابزار اجرا
۲	ارزش، هدف کیفی	هنجاری	شریعت‌گرا	استقلال ملی، برقراری عدالت و انسجام ملی	حوزه عمومی، ارزش‌ها و هویت	فراگیر	معنوی، وحدت، هویت‌بخشی، نخبه‌گرایی و جمعی بودن	روحانیون و دولت (ژرف)
۳	هدف کیفی	هنجاری	شریعت‌گرا	توسعه، پرورش اندیشه‌ها و استعدادها، استقلال ملی، تعاملات جهانی، انسجام ملی، همگانی کردن و رفع بی‌عدالتی، اصلاح جامعه، تربیت عمومی و اجتماعی کردن	ارزش‌ها، هنجارها، رسانه‌ها، دانش، روابط بین‌المللی، نهادها و مؤسسات، حوزه عمومی، هویت	فراگیر	معنوی، وحدت، هویت‌بخشی، نیاز به حمایت، جمعی بودن و اجتماعی شدن	دولت جلب مشارکت مردم و درونی کردن ارزش‌ها
۸	هدف کیفی	هنجاری	شریعت‌گرا	اصلاح جامعه	ارزش‌ها، هنجارها و حوزه عمومی	فراگیر	نیاز به حمایت	دولت (ژرف) و جلب مشارکت مردم
۱۲ ۱۳ ۱۴	ارزش، هدف کیفی و سیاست	هنجاری	شریعت‌گرا	تنوع فرهنگی	حوزه عمومی و اقلیت‌ها	فراگیر	عامل تمایز	دولت (ژرف)
۱۵	سیاست	توصیفی	واقع‌گرا	تنوع فرهنگی	اقلیت‌ها	مستقل و محدود	عامل تمایز	دولت (سازمان مشخص)
۱۶	سیاست	هنجاری	شریعت‌گرا	تربیت عمومی و اجتماعی کردن	زبان	فراگیر	اجتماعی شدن	دولت (سازمان مشخص)
۱۹	ارزش	توصیفی	واقع‌گرا	تنوع فرهنگی	حوزه عمومی	فراگیر	عامل تمایز	دولت (ژرف)
۲۶	هدف کیفی	هنجاری	شریعت‌گرا	تنوع فرهنگی و حفظ نظام	حوزه عمومی و رسانه‌ها	فراگیر	نیاز به حمایت	دولت (ژرف)
۳۰	هدف کیفی	توصیفی	توسعه‌گرا	توسعه	دانش	فراگیر	نیاز به حمایت	دولت (سازمان مشخص)

از کدگذاری مشخص است که متن قانون اساسی در آنجا که مربوط به فرهنگ است، عبارت است از: تبیین ارزش‌ها و مبانی و تعیین اهداف کیفی، با تعریفی هنجاری در سرمشق شریعت‌گرا. در قانون اساسی، فرهنگ فراگیر و وسیع تعریف شده است و دولت در کلیت خود (و نه به طور مشخص برخی سازمان‌ها و نهادها) مسئول اجرای این اصول شناخته شده‌اند.

در قانون اساسی مبانی و پایه‌های ارزشی جمهوری اسلامی تبیین شده و دین و مذهب رسمی کشور تعیین شده است. نخبگانی نیز که قرار است نگهبان و روشنگر این ارزش‌ها باشند، فقها تعیین شده‌اند و بر امر به معروف و نهی از منکر تأکید ویژه شده است. اهداف فرهنگی نظام به طور عمده شامل ایجاد محیط مناسب برای رشد فضایل، جلوگیری از نفوذ اجانب، تحکیم برادری اسلام و تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام است.

مهم‌ترین ویژگی مورد تأکید فرهنگ در قانون اساسی، «نیاز به حمایت» فرهنگ است. هویت‌بخشی و سازنده بودن، اجتماعی شدن و عامل وحدت بودن از دیگر ویژگی‌های مورد تأکید فرهنگ است. مهم‌ترین کارکردهای مورد انتظار از فرهنگ، در قانون اساسی عبارتند از: تربیت عمومی و اجتماعی کردن، تطهیر فضای عمومی و اصلاح جامعه، ایجاد هویت و انسجام ملی و مبارزه با ورود فرهنگ‌های بیگانه و استقلال ملی. حوزه عمومی و روابط بین فردی، ارزش‌ها و هویت مهم‌ترین حوزه‌هایی هستند که در قانون اساسی به آنها اشاره شده است. همچنین باید اشاره کرد که حوزه‌هایی چون دانش، زبان و اقلیت‌ها، ویژگی عامل تمایز بودن فرهنگ و کارکردهایی چون کمک به توسعه و پیشرفت و تنوع فرهنگی در متن قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. اهدافی از قبیل بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی، آموزش و پرورش رایگان، محو هرگونه استبداد و انحصارطلبی در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. به پیروان مذاهب اسلامی و ادیان صاحب کتاب اجازه داده شده که مراسم مذهبی خود را انجام دهند. همچنین عنوان شده است که مردم ایران، از هر قوم و قبیله و رنگ و نژاد و زبان، از حقوق مساوی برخوردارند. آزادی احزاب و جمعیت‌های سیاسی در چارچوب موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده است.

۲-۳. سند سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

سند سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی است. این سند در بخش‌های مختلفی تنظیم شده است، این بخش‌ها عبارتند از: مقدمه، اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی، اهداف سیاست فرهنگی، اصول سیاست فرهنگی، منبهات در سیاست فرهنگی، خط‌مشی‌های فرهنگی، اولویت‌ها و سیاست‌های کلی، فرهنگ و هنر، امکانات، دانشگاه، تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، زیارت و سیاحت، روابط خارجی، سازمان‌ها و مراکز نظارت و اجرا و هماهنگی. این بخش‌ها در مجموع به ۱۰۶ بند تقسیم شده‌اند. مقدمه و اهداف شامل ۷ بند، اصول سیاست فرهنگی ۲۵ بند، منبهات ۲۶ بند، اولویت‌ها و سیاست‌های کلی ۱۷ بند، فرهنگ و هنر ۱۳ بند، امکانات ۱۱ بند و سایر بخش‌ها (دانشگاه، تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، زیارت و سیاحت و روابط خارجی) شامل ۷ بند هستند. بخش سازمان‌ها و مراکز نظارت، اجرا و هماهنگی چون جزء سیاست‌گذاری به حساب نمی‌آید، در کدگذاری دخیل نشده است.

واحد تحلیل در اینجا، هر بند از سند سیاست فرهنگی است. به جز بخش مقدمه و اهداف، در بخش‌های دیگر هر بند مساوی است با هر موردی که با شماره مشخص شده است. بخش مقدمه و اهداف بر حسب مضمون به ۷ بند تقسیم شده است.

چنانکه از کدگذاری به دست آمده است، سند سیاست‌های فرهنگی شامل بخش‌های مختلفی است و جا دارد هر کدام از این بخش‌ها به صورت جداگانه مورد توجه قرار گیرد. در بخش‌های مقدمه و اهداف، تعریف هنجاری و سرمشق شریعت‌گرا حاکم است و این بخش‌ها از نوع ارزش‌گذاری یا هدف‌گذاری کیفی هستند. اما در بخش اولویت‌ها و سیاست‌های کلی، و فرهنگ و هنر و امکانات، بیشتر شاهد سرمشق‌های واقع‌گرا و توسعه‌گرا و تعاریف اسنادی و توصیفی فرهنگ هستیم.

در بندهایی که سرمشق شریعت‌گرا حاکم است، به مدیریت اسلامی اشاره شده است و اینکه کالاهای فرهنگی و هنری باید در خدمت استفاده مذهبی و تبلیغی باشد. همچنین فطرت انسانی و فضایل اخلاقی باید مورد توجه قرار گیرد و هویت دینی حفظ شود. در بندهایی که متناسب با سرمشق توسعه‌گراست، به ایجاد و ترویج عادات و هنجارهای لازم برای توسعه و پیشرفت اشاره می‌شود و اینکه کشور از نظر شاخص‌های توسعه فرهنگی (مثل اماکن و مجموعه‌های فرهنگی) مجهز باشد. در سرمشق واقع‌گرا به مصرف فرهنگی،

اوقات فراغت، تجهیز و ساخت مجتمع‌های فرهنگی، کمک به خلاقیت‌های هنری، حفظ هویت ملی، تعاملات بین‌المللی، زبان فارسی، همگانی کردن فرهنگ، حفظ تنوع و تکثر فرهنگی و به رسمیت شناختن آن، رفع ناهنجاری‌های فرهنگی و پر کردن مناسب اوقات فراغت شهروندان توجه می‌شود.

۳-۳. برنامه پنجم توسعه

برنامه پنجم توسعه در پاییز ۱۳۸۹ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شده است. واحد تحلیل در اینجا هر ماده از فصل اول این برنامه (۱۱ ماده) است.

جدول ۲. کدگذاری برنامه پنجم توسعه

ماده	نوع	تعریف فرهنگ	سرمشق و منشأ	کارکرد مورد انتظار	حوزه	محدوده فرهنگ	ویژگی مورد تأکید از فرهنگ	ابزار اجرا
۱	سیاست	هنجاری	شریعت‌گرا	توسعه	غیر مشخص	فراگیر	غیر مشخص	دولت (سازمان مشخص)
۲	سیاست	غیر مشخص	غیر مشخص	غیر مشخص	غیر مشخص	فراگیر	ابزار بودن	دولت (ژرف)
۳	هدف	هنجاری	شریعت‌گرا و توسعه‌گرا	توسعه، آفرینش هنری، حفظ میراث فرهنگی، هویت، مبارزه با فرهنگ بیگانه، اصلاح جامعه و تربیت عمومی	دانش و زبان، میراث فرهنگی، هویت، حوزه عمومی، نهادها، رسانه، محصولات، ارزش‌ها و نمادها	فراگیر	معنوی، نیاز به حمایت، عامل وحدت و هویت‌بخشی	دولت (ژرف)، سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای خصوصی
۴	هدف	هنجاری	شریعت‌گرا	تعاملات جهانی و ایجاد هویت	دانش و زبان، ارزش‌ها، هویت و روابط بین‌المللی	فراگیر	معنوی، نخبه‌گرایی و نیاز به حمایت	دولت (سازمان مشخص)
۵	هدف	هنجاری	شریعت‌گرا	اصلاح جامعه	ارزش‌ها و نهادها	فراگیر	نیاز به حمایت	دولت (سازمان مشخص)
۶	ارزش و هدف	هنجاری	شریعت‌گرا	تربیت عمومی و اجتماعی کردن، حفظ نظام و مشروعیت	ارزش‌ها، نمادها و نهادها و مؤسسات	فراگیر	نیاز به حمایت، ابزار بودن، نخبه‌گرایی و اجتماعی شدن	دولت (ژرف)
۷	هدف	هنجاری	شریعت‌گرا	اصلاح جامعه	دانش و زبان	محدود	معنوی و نیاز به حمایت	دولت (ژرف)

ادامه جدول ۲

ماده	نوع	تعریف فرهنگ	سرمشق و منشأ	کارکرد مورد انتظار	حوزه	محدوده فرهنگ	ویژگی مورد تأکید از فرهنگ	ابزار اجرا
۱۰	هدف کیفی و سیاست	توصیفی	واقع‌گرا	همگانی کردن و آفرینش هنری	محصولات، نهادها و مؤسسات	محدود	نیاز به حمایت	دولت (ژرف)
۱۱	هدف کیفی	هنجاری	واقع‌گرا	مبارزه با فرهنگ بیگانه و اصلاح جامعه	رسانه‌ها	محدود	معنوی و نیاز به حمایت	دولت (ژرف) و مشارکت مردم
۱۳	سیاست	اسنادی	واقع‌گرا	میراث فرهنگی	میراث فرهنگی	محدود	نیاز به حمایت مادی	دولت (ژرف) و سازمان‌ها غیر دولتی
۱۴	هدف کیفی، سیاست	هنجاری	شریعت‌گرا	تطهیر فضای عمومی	ارزش‌ها، گردشگری مذهبی	محدود	معنوی، نیاز به حمایت	دولت (ژرف)

چنانکه از کدگذاری به دست آمده است، بخش فرهنگ برنامه پنجم توسعه، آمیزه‌ای از تعیین اهداف کیفی و طرح سیاست است. هر ماده از این برنامه، ضمن تعیین یک هدف کیفی به طرح سیاست‌های متناسب با آن پرداخته است. این اهداف از جمله تعیین ارزش‌ها، باورها و فرهنگی مبتنی بر هویت اسلامی ایرانی، تبیین مبانی اسلام ناب محمدی (ص) و زنده نگه داشتن اندیشه‌های امام (ره) و رهبری، توسعه فضاهای مذهبی، نشر فرهنگ و معارف اسلامی، استفاده از اماکن زیارتی در شهرهای مقدس در تعریف هنجاری و فراگیر قرار می‌گیرند و برخی دیگر از جمله حفظ میراث فرهنگی، استفاده از ظرفیت رسانه‌ای و افزایش سرانه بهره‌مندی از فضاهای فرهنگی و هنری در تعریف توصیفی یا اسنادی و محدود فرهنگ قرار می‌گیرد.

مهم‌ترین ویژگی فرهنگ که در برنامه پنجم توسعه مورد تأکید قرار گرفته، «نیاز به حمایت داشتن» و «ابزار بودن» فرهنگ است. عامل وحدت بودن، هویت‌بخشی و اجتماعی شدن، از دیگر ویژگی‌های اشاره شده است. حوزه‌های ارزش‌ها، نهادها و مؤسسات، و دانش و زبان از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که مورد سیاست‌گذاری قرار گرفته است. همچنین تطهیر فضای عمومی و اصلاح جامعه، مبارزه با ورود فرهنگ‌های بیگانه، حفظ سنت‌های بومی و تربیت عمومی از مهمترین کارکردهایی است که از فرهنگ انتظار

رفته است.

در برنامه پنجم توسعه به حمایت از بخش غیردولتی و تسهیل فعالیت‌های آن، البته در جهت اهداف پیش‌بینی شده اشاره شده و همچنین با سرمشقی واقع‌گرا به توسعه فعالیت‌های فرهنگی و هنری و بهره‌مندی اقشار مختلف از فضاهای فرهنگی و هنری، و نیز تسهیل دسترسی مردم به رسانه‌ها و حفظ و مراقبت از میراث فرهنگی تأکید شده است. علاوه بر این، با نگاهی توسعه‌گرا، به اهدافی از قبیل تقویت هنجارهای اجتماعی و روحیه کار جمعی و ابتکار اشاره شده است.

۳-۴. جمع‌بندی کدگذاری‌ها

در جدول زیر فراوانی مقوله‌ها به تفکیک نمونه‌های جامعه آماری مشاهده می‌شود.

جدول ۳. جمع‌بندی کدگذاری‌ها

متغیرها	مقولات	قانون اساسی	سند سیاست فرهنگی	برنامه پنجم	جمع
رفق	ارزش و مبانی	۳	۲۷	۱	۳۱
	هدف کیفی	۶	۴۲	۸	۵۶
	هدف کمی	۰	۰	۰	۰
	سیاست	۳	۳۷	۷	۴۷
توزیع	هنجاری	۶	۴۶	۸	۶۰
	توصیفی	۳	۳۹	۱	۴۳
	اسنادی	۰	۲۱	۱	۲۲
سرمشقی	شریعت‌گرا	۶	۳۲	۷	۴۵
	واقع‌گرا	۲	۵۴	۳	۵۹
	توسعه‌گرا	۱	۲۱	۱	۲۳
کارکرد مورد انتظار	کمک به توسعه و پیشرفت	۲	۱۵	۲	۱۹
	آفرینش هنری	۰	۱۶	۲	۱۸
	پرورش اندیشه‌ها و استعدادها	۱	۱۹	۰	۲۰
	مبارزه با ورود فرهنگ‌های بیگانه و استقلال ملی	۲	۷	۲	۱۱
	کمک به تعاملات جهانی	۰	۹	۰	۹
	حفظ میراث فرهنگی و سنت‌های بومی	۰	۷	۲	۹
	ایجاد هویت و انسجام ملی	۲	۱۰	۰	۱۲
	همگانی کردن و رفع بی‌عدالتی و حقوق فرهنگی	۲	۲۳	۱	۲۶
	حفظ تنوع فرهنگی و دموکراسی فرهنگی	۴	۱	۰	۵

ادامه جدول ۳

	برنامه پنجم	سند سیاست فرهنگی	قانون اساسی		
متغیرها	مقولات	قانونی	فرآوانی	فرآوانی	جمع
کارکرد مورد انتظار	حفظ نظام و ایجاد مشروعیت و ابزارسازی برای کنترل	۱	۲	۱	۴
	تطهیر فضای عمومی و اصلاح جامعه	۲	۲۴	۵	۳۱
	تربیت عمومی و اجتماعی کردن	۲	۱۶	۲	۲۰
	مقابله با تبعات تمدن	۰	۲	۰	۲
حوزه سیاست گذاری	ارزش‌ها	۳	۴۴	۵	۵۲
	هنجارها	۲	۱	۰	۳
	نمادها	۰	۰	۱	۱
	محصولات و صنایع فرهنگی	۰	۲۶	۲	۲۸
	رسانه‌ها و ارتباطات	۲	۶	۲	۸
	نهادهای و مؤسسات	۱	۱۲	۴	۱۷
	روابط بین فردی و حوزه عمومی	۶	۱۶	۱	۲۳
	هویت	۲	۱۰	۲	۱۴
	میراث فرهنگی	۰	۱	۲	۳
	دانش و زبان	۳	۹	۳	۱۵
	اقلیت‌ها	۲	۰	۰	۲
	جهانگردی و توریسم	۰	۱	۱	۱
	گردشگری مذهبی	۰	۱	۱	۲
	روابط بین‌المللی	۰	۵	۱	۶
اقشار خاص (زنان و جوانان)	۰	۳	۰	۳	
محدوده	مستقل و محدود	۱	۲۳	۵	۲۹
	فراگیر و آمیخته با مسائل اجتماعی	۸	۷۵	۶	۸۹
	امیخته با اقتصاد	۰	۸	۰	۸
ویژگی مورد تأکید	عامل وحدت	۲	۳	۱	۶
	عامل تمایز	۳	۱	۰	۴
	خودبستگی و آزادی	۰	۴	۰	۴
	نیاز به حمایت داشتن	۴	۶۶	۹	۷۹
	اجتماعی شدن و آموزش فرهنگی	۲	۳	۱	۶
	آزادی‌بخشی و خودبیانگری	۰	۴	۰	۴
	هویت‌بخشی و سازنده بودن	۲	۱۰	۱	۱۳
	ابزار بودن	۰	۲۰	۲	۲۲
	فردی بودن	۰	۴	۰	۳
	جمعی بودن	۲	۴	۰	۶

ادامه جدول ۳

متغیرها	مقولات	قانون اساسی	سند سیاست فرهنگی	برنامه پنجم	جمع
ویژگی مورد تأکید	دولت (ژرف و فراگیر)	۶	۹۵	۸	۱۰۹
	دولت (سازمان مشخص)	۳	۱۰	۳	۱۶
	نخبگان و روحانیون	۱	۰	۰	۱
	انجمن‌های محلی و منطقه‌ای	۰	۰	۰	۰
	سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی	۰	۰	۲	۲
	نهادهای خصوصی	۰	۰	۱	۱
	جلب مشارکت توده مردم	۲	۲	۱	۵
	درونی کردن ارزش‌ها	۱	۱	۰	۲

نوع: از نظر نوع تنظیم سیاست‌گذاری فرهنگی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فراوانی «سیاست‌ها» در مجموع سه نمونه جامعه آماری برابر ۴۷ و فراوانی «ارزش و مبانی» و «اهداف کیفی» در مجموع برابر ۸۷ است. در واقع بیشتر حجم سیاست‌گذاری فرهنگی مربوط به تدوین ارزش‌ها و اهداف کیفی است و آنچه را دقیقاً بتوان سیاست نامید، تقریباً یک‌سوم کل حجم سیاست‌گذاری (۳۵٪) را تشکیل داده است. همچنین در هیچ جای این سه نمونه از سیاست‌گذاری فرهنگی، با اهداف کمی روبه‌رو نیستیم.

تعریف فرهنگ: حدود نیمی از حجم سیاست‌گذاری فرهنگی (۴۸٪) را می‌توان تحت سلطه تعریف «هنجاری» از فرهنگ دانست. در رتبه‌های بعدی، تعریف «توصیفی» (انسان‌شناختی) (۳۴٪) و تعریف «اسنادی» (۱۸٪) قرار دارند.

سرمشق: از مجموع ۱۲۷ فراوانی، به ترتیب سرمشق «واقع‌گرا» (۴۸٪)، «شریعت‌گرا» (۳۴٪) و «توسعه‌گرا» (۱۸٪) سرمشق‌های سیاست‌های فرهنگی ایران هستند.

کارکرد: در مجموع ۱۸۷ فراوانی مربوط به شمارش کارکردها سیاست‌های فرهنگی، بیشترین کارکرد مورد انتظار از سیاست‌های فرهنگی، کارکرد «تطهیر فضای عمومی و اصلاح جامعه» است (۱۶٪). پس از آن «همگانی کردن و رفع بی‌عدالتی و حقوق فرهنگی» (۱۴٪)، «تربیت عمومی و اجتماعی کردن» (۱۱٪)، «پرورش اندیشه‌ها و استعدادها» (۱۰٪)، «کمک به توسعه و پیشرفت» (۱۰٪)، «آفرینش هنری» (۱۰٪) قرار دارد. در مرتبه‌های بعدی «ایجاد هویت و انسجام ملی» (۶٪)، «مبارزه با ورود فرهنگ‌های بیگانه و استقلال ملی»

(۶٪)، «کمک به تعاملات جهانی» (۵٪)، «حفظ میراث فرهنگی و سنت‌های بومی» (۵٪) قرار دارد.

حوزه‌های سیاست‌گذاری شده: از مجموع ۱۷۸ فراوانی شمارش شده، حوزه «ارزش‌ها» بیشترین سهم را دارد (۲۹٪). پس از آن «محصولات و صنایع فرهنگی» (۱۶٪) و «روابط بین فردی و حوزه عمومی» (۱۳٪) قرار دارد. «نهادهای و مؤسسات» (۱۰٪)، «دانش و زبان» (۸٪) و «هویت» (۸٪) در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

محدوده فرهنگ: در بیشتر حجم سیاست‌گذاری‌ها، فرهنگ، «فراگیر و آمیخته با مسائل اجتماعی» در نظر گرفته شده است (۷۱٪). در ۲۳ درصد موارد فرهنگ «مستقل و محدود» در نظر گرفته شده است و تنها در ۶ درصد موارد، مسائل اقتصادی فرهنگی نیز مورد توجه بوده است.

ویژگی مورد تأکید فرهنگ: از مجموع ۱۴۷ فراوانی شمارش شده، «نیاز به حمایت داشتن»، بیشترین ویژگی است که روی آن تأکید شده است (۵۴٪). فرهنگ را به مثابه «ابزار رفع نیاز دیدن» (۱۵٪)، و «توجه به جنبه‌های هویت‌بخشی فرهنگ» (۹٪) در رده‌های بعدی قرار دارد.

نحوه اجرای سیاست‌ها: از مجموع ۱۳۶ فراوانی شمارش شده، یافته‌ها نشان می‌دهد که در ۸۰ درصد موارد، دولت به صورت ژرف و فراگیر (نه یک سازمان مشخص دولتی) مسئول اجرای سیاست‌های فرهنگی است.

۴. تفسیر یافته‌ها

جدول ۴. جدول توافقی تعاریف و سرمشق‌های سیاست‌گذاری

فراوانی سرمشق‌ها				مقولات	متغیر
جمع	توسعه‌گرا	واقع‌گرا	شریعت‌گرا		
۶۰	۷	۱۰	۴۳	هنجاری	۳ ۳
۴۳	۵	۳۸	۰	توصیفی	
۲۲	۹	۱۲	۱	اسنادی	

همان‌طور که ملاحظه می‌شود تعاریف هنجاری بیشتر در سرمشق شریعت‌گرا قرار دارند. سرمشق شریعت‌گرا به طور اصولی به تدوین هنجارها و ترسیم فرهنگ والا از منظر

شریعت می‌پردازد. اما تعریف هنجاری در آنجا که در سرمشق واقع‌گرا قرار می‌گیرد، ناظر به هنجارهای عرفی مورد نیاز جامعه مثل ترویج کار و کوشش و عدالت‌طلبی و غیره است. همچنین تعریف هنجاری در سرمشق توسعه‌گرا، به هنجارهای فرهنگی مورد نیاز برای توسعه و پیشرفت اشاره دارد.

تعریف توصیفی یا انسان‌شناسی به طور عمده، چنانکه از نام آن پیداست، در سرمشق واقع‌گرا قرار دارد. تعریف توصیفی وقتی در سرمشق توسعه‌گرا باشد، به سازماندهی و ایجاد ظرفیت‌های زیربنایی و همچنین تربیت نیروی انسانی اشاره دارد. تعریف اسنادی که به محصولات و تولیدات فرهنگی اشاره دارد در سرمشق واقع‌گرا قرار می‌گیرد و تا آنجایی که به توسعه و ساخت و تجهیز سازمان‌ها و زیربنای فرهنگی می‌پردازد در سرمشق توسعه‌گرا قرار دارد.

جدول ۵. جدول توافقی کارکردها و سرمشق‌های سیاست‌گذاری

ردیف	فراوانی سرمشق‌ها				فراوانی تعریف‌ها				مقولات	کارکرد مورد انتظار
	توسعه‌گرا	واقع‌گرا	تربیت‌گرا	ردیف	اسنادی	توصیفی	هنجاری			
۱۷	۱۲	۳	۲	۱۷	۴	۳	۱۰	کمک به توسعه و پیشرفت		
۱۵	۲	۱۰	۳	۱۵	۱۳	۰	۲	آفرینش هنری		
۲۱	۲	۱۱	۸	۲۱	۴	۷	۱۰	پرورش اندیشه‌ها و استعدادها		
۱۱	۰	۵	۶	۱۱	۰	۳	۸	مبارزه با فرهنگ‌های بیگانه و استقلال ملی		
۱۰	۰	۷	۳	۱۰	۱	۵	۴	کمک به تعاملات جهانی		
۱۰	۱	۶	۳	۱۰	۲	۳	۵	حفظ میراث فرهنگی و سنت‌های بومی		
۱۵	۰	۳	۱۲	۱۵	۰	۳	۱۲	ایجاد هویت و انسجام ملی		
۳۰	۱۰	۱۳	۷	۳۰	۱۴	۱۰	۶	همگانی کردن و رفع بی‌عدالتی		
۵	۰	۲	۳	۵	۰	۲	۳	حفظ تنوع فرهنگی و دموکراسی فرهنگی		
۴	۰	۰	۴	۴	۰	۰	۴	حفظ نظام و ایجاد مشروعیت		
۳۲	۱	۱۰	۲۱	۳۲	۰	۴	۲۸	تطهیر فضای عمومی و اصلاح جامعه		
۲۱	۱	۶	۱۴	۲۱	۰	۵	۱۶	تربیت عمومی و اجتماعی کردن		
۲	۲	۰	۰	۲	۲	۰	۰	مقابله با تبعات تمدن		

کمک به توسعه و پیشرفت، به طور عمده در سرمشق توسعه‌گرا و تعریف هنجاری

قرار می‌گیرد. وقتی در سرمشق شریعت گرا باشد^۱ به مدیریت و توسعه اسلامی و وقتی در سرمشق واقع گرا و تعریف توصیفی^۲ باشد به عادات و هنجارهای لازم برای توسعه اشاره می‌کند. همچنین کمک به توسعه و پیشرفت با تعریف اسنادی^۳ به جنبه‌های فرهنگی و مصرف فرهنگی توسعه توجه می‌کند.

آفرینش هنری، به طور عمده منطبق با تعریف اسنادی فرهنگ و سرمشق واقع گراست. در تعریف هنجاری و سرمشق شریعت گرا^۴ به طور خاص مربوط به استفاده مذهبی و تبلیغی از کالاهای هنری است. در سرمشق توسعه گرا^۵ به توسعه و تجهیز مجتمع‌ها و تأسیسات مورد نیاز برای کالاها و محصولات فرهنگی و هنری اختصاص دارد.

پرورش اندیشه‌ها و استعدادها با تعریف هنجاری و در سرمشق شریعت گرا به معنای رشد استعدادها و وجودی و فطری انسانی (چنانکه مذهب تعریف می‌کند) است، اما در تعریف اسنادی، به معنای کمک به خلاقیت‌های هنری است. در تعریف توصیفی^۶ پرورش استعدادها در معنای تفکر و تعقل و تربیت روحی و جسمی و دیگر امور انسانی است. همچنین در سرمشق توسعه گرا^۷ پرورش اندیشه‌ها و استعدادها در جهت توسعه و پیشرفت مورد توجه است.

مبارزه با ورود فرهنگ‌های بیگانه و استقلال ملی، در سرمشق شریعت گرا و سرمشق واقع گرا به نسبت مساوی قرار گرفته است. در سرمشق شریعت گرا، به جنبه‌های مذهبی و در دیگری به جنبه‌های عرفی فرهنگ بومی توجه می‌شود. همین مورد، وقتی در تعریف توصیفی^۸ به کار می‌رود به جنبه‌های هویتی ملی اشاره می‌کند.

کمک به تعاملات جهانی، در سرمشق شریعت گرا به ترویج مبانی دینی توجه دارد در حالی که در سرمشق توصیفی، به تعاملات فارغ از ارزش‌های درون‌گروهی با کشورهای دیگر اشاره می‌کند. همین مورد، در تعریف هنجاری^۹ تکیه را روی ارزش‌های مذهبی و

۱. برای مثال ن. ک. سند سیاست‌های فرهنگی، بخش منبها، شماره ۱۱

۲. همان، بخش اصول سیاست فرهنگی، شماره ۱۴ و ۲۱

۳. همان، بخش اولویت‌ها و سیاست‌های کلی، شماره ۸ تا ۱۱

۴. همان، بخش اولویت‌ها و سیاست‌های کلی، شماره ۳۴ و ۳۵

۵. همان، بخش اولویت‌ها و سیاست‌های کلی، شماره ۱۸ و ۲۰

۶. همان، بخش اصول سیاست‌های فرهنگی، شماره ۱۰ تا ۱۲

۷. همان، بخش منبها، شماره ۸

۸. همان، بخش اصول سیاست فرهنگی، شماره ۲۲ - بخش اولویت‌ها و سیاست‌های کلی، شماره ۲۹

۹. همان، بخش منبها، شماره ۲۳ - بخش اولویت‌ها و سیاست‌های کلی، شماره ۲

دینی قرار می‌دهد.

حفظ سنت‌های بومی، نیز در تعریف هنجاری و سرمشق شریعت گرا نسبت به وقتی که در تعریف توصیفی و سرمشق واقع گرا باشد، معنای متفاوتی می‌دهد. این مورد در تعریف توصیفی^۱ به زبان فارسی و فرهنگ‌های اقوام اشاره می‌کند.

ایجاد هویت و انسجام ملی، به طور عمده در تعریف هنجاری و در سرمشق شریعت گرا قرار می‌گیرد که معنای واضحی در بر دارد. اما همین مورد، به نسبت کمتر در تعریف توصیفی و سرمشق واقع گرا قرار می‌گیرد که به معنای در نظر گرفتن جنبه‌های ملی و عرفی هویت افراد جامعه است.

همگانی کردن و رفع حقوق فرهنگی، چنانکه ملاحظه می‌شود در تعریف اسنادی و سرمشق واقع گرا بیشتر مورد توجه بوده است. به این معنی که کالاها و محصولات فرهنگی و هنری باید در دسترس همه افراد جامعه باشد. این مورد در تعریف هنجاری و سرمشق شریعت گرا^۲ به معنای ترویج و تبلیغ امور دینی و مذهبی است. در سرمشق توسعه گرا^۳ منظور از همگانی کردن، توسعه و گسترش تجهیزات و تأسیسات و زیربنای فرهنگی و هنری است.

حفظ تنوع فرهنگی و دموکراسی فرهنگی، چه در تعریف هنجاری و چه در تعریف توصیفی و همچنین چه در سرمشق شریعت گرا و چه در سرمشق واقع گرا، به معنای در نظر گرفتن تکثر و تنوع آرا و هنجارها و سبک‌های زندگی است. با این توضیح که در حالت هنجاری و شریعت گرا، گرچه سیاست کلی، تبلیغ و ترویج امور دینی و هنجارهای متناسب با آن است، اما توصیه می‌شود که تنوع فعالیت‌های فرهنگی و آزادی‌های مشروع در چارچوب شرع در نظر گرفته شود.

حفظ نظام و ایجاد مشروعیت هم به طور کامل در تعریف هنجاری و در سرمشق شریعت گرا قرار دارد که با توجه به مبانی ارزش‌های و اصول نظام جمهوری اسلامی ایران قابل توضیح است. همچنین تطهیر فضای عمومی و اصلاح جامعه به طور عمده در سرمشق شریعت گرا و تعریف هنجاری قرار گرفته است. این مورد وقتی در تعریف توصیفی^۴ باشد،

۱. همان، بخش اصول سیاست فرهنگی، شماره ۷- بخش منبها، شماره ۱۹

۲. همان، بخش اهداف سیاست فرهنگی

۳. همان، بخش اولویت‌ها و سیاست‌های کلی، شماره ۱۸ تا ۲۰

۴. همان، بخش اصول سیاست فرهنگی، شماره ۲۳- بخش منبها، شماره ۱۰

درباره اهمیت عوامل و زمینه‌های اجتماعی در بر طرف کردن اخلاق‌های ناپسند اجتماعی خواهد بود. همچنین در سرمشق واقع‌گرا به ناهنجاری‌های اجتماعی تأکید خواهد کرد. تربیت عمومی و اجتماعی کردن، نیز به طور عمده در تعریف هنجاری و سرمشق شریعت‌گرا قرار دارد. این مورد اگر در تعریف توصیفی و سرمشق واقع‌گرا بیاید، به برطرف کردن عادات مذموم و یا ترویج عادات و هنجارهای مناسب اجتماعی اختصاص می‌یابد.

مقابله با تبعات تمدن، چنانکه انتظار می‌رود در تعریف اسنادی قرار دارد و به معنای ایجاد فرصت‌ها و زمینه‌های مصرف فرهنگی برای پر کردن اوقات فراغت گروه‌های مختلف جمعیتی است.

۵. مروری بر سیاست‌های فرهنگی ایران

هر چند در بخش‌های قبل تلاش شد با طرح جداول توافقی، از سطح شمارش ساده فراتر رفته و معنای متغیرها را در ارتباط با هم درک کنیم، اما هنوز هم باید پیش‌تر رفته و ارزیابی سیاست‌های فرهنگی را (با استفاده از مفاهیم به کار گرفته شده در کدگذاری) بیشتر شرح و بسط داد.

سیاست‌های فرهنگی (چه از جانب دولت و چه سایر بخش‌ها) به دنبال شکل دادن نمادین حیات اجتماعی و رسیدن به توافقی در مورد زندگی اجتماعی و تغییرات آن است. سیاست فرهنگی به قصد تأمین برخی نیازها و ایجاد برخی تغییرات به اجرا درمی‌آید. دولت‌ها اساساً به قصد تغییرات محتوایی در مجموعه فرهنگی، دست به سیاست‌گذاری برای فرهنگی می‌زنند. بر این اساس نکته شایان توجه اینکه فرهنگی که قرار است مورد هدف سیاست‌های فرهنگی قرار بگیرد، فرهنگی وسیع و فراگیر است و یا محدود و معین. در سیاست‌های فرهنگی ایران، فرهنگ به عنوان امری فراگیر و آمیخته با مسائل اجتماعی در نظر گرفته شده است. وسیع دیدن فرهنگ و تعیین‌کننده بودن آن، سیاست‌گذاری را به سمت حوزه‌های مختلفی می‌کشاند، چراکه به این ترتیب، فرهنگ در انداختن طرحی نو و نظمی جدید و ترویج ارزش‌ها، باورها و هنجارهایی خاص مورد توجه قرار می‌گیرد. پس استفاده از کلیه امکانات و ابزار فرهنگی مد نظر قرار می‌گیرد. چنین است که فرهنگ صرفاً

۱. همان، بخش منبها، شماره ۱۶ تا ۱۸

۲. همان، بخش اصول سیاست فرهنگی، شماره ۶ و ۱۳

شامل کالاهای هنری و یا مخصوص اوقات فراغت نیست، بلکه عامل شکل‌دهی زندگی اجتماعی محسوب می‌شود. دیگر تنها قرار نیست میراث فرهنگی یا آثار ملی مورد شناسایی و حمایت قرار گیرند، بلکه همه چیز باید در خدمت جامعه باشد.

اما همین نگاه وسیع و فراگیر و کارکردی و ابزاری به فرهنگ بستگی به این دارد که در چه سرمشقی به کار گرفته شود. در سرمشق توسعه‌گرا بنا بر این است که اقشار جامعه آماده پیشرفت و توسعه شده و عاداتی را کسب کنند که در این راه به کشور کمک می‌کند و عادات ناپسند را ترک کنند. در مقابل و در سرمشق آرمان‌گرا و هنجاری، قرار است تعریفی مطلق از فرهنگ داده شود و توسط آن فعالیت‌های معین اخلاقی از بقیه فعالیت‌ها جدا شود و ارزش‌های خاصی ترویج و تثبیت شود.

در سیاست‌های فرهنگی ایران همه چیز با ارزش‌ها آغاز می‌شود و نه با مسائل و مشکلات، به این ترتیب که سطحی کامل از وفاق و اجماع روی ارزش‌ها فرض گرفته شده است. حتی کمتر دیده می‌شود که به مشکلی اشاره شود (برای مثال اینکه این ارزش‌ها در معرض تهدید هستند). در واقع اساسی‌ترین هدف سیاست‌های فرهنگی ایران، ترویج و تثبیت این ارزش‌هاست. این مسئله می‌تواند از یک سو مثبت تلقی شود، چراکه به این ترتیب می‌توان برای حفظ و بازتولید آنها در فضای فرهنگی تلاش کرد. اما مشکلات و آسیب‌های خاص خود را هم خواهد داشت.

در این حالت، تأکید کلی بر عرضه است، آن هم نه فقط عرضه آثار و محصولات فرهنگی و هنری، بلکه عرضه ارزش‌ها، باورها و هنجارها. بنابراین این هم خود یک مشکل بزرگ است که چگونه می‌توان عرضه ارزش‌ها را به صورت سیاست و برنامه درآورد. به علاوه با این رویکرد، کمتر به تجربیات فرهنگی متکثر اقشار جامعه بها داده می‌شود، جز اینکه آنها را در صورت سنتی و بومی بودن، به صورت موزه‌ای درآورده و اگر مدرن باشد، طرد کرده یا حداقل تشویق نمی‌کند.

به این ترتیب فرهنگ هم از جنبه محدود و کالایی و زیبایی‌شناختی دور می‌شود و هم از صرف توصیفی و انسان‌شناختی بودن، به معنی، شیوه کلی زندگی (چنانکه هست و در بطن جامعه به چشم می‌خورد). فرهنگ باید به اتفاق آرا کمک کرده و میانجی انسان و واقعیت قرار گیرد. فرهنگ برای کنترل محیط به کار می‌رود و روی فرهنگ‌آموزی و اجتماعی شدن آن، نه در روند طبیعی، بلکه کاملاً هماهنگ و کنترل شده تأکید می‌شود.

از همین رو سیاست‌های فرهنگی ایران به طور کلی محافظه‌کارانه بوده و بر یکپارچگی جامعه و حفظ سنت‌ها و ارزش‌ها پافشاری می‌کند. از آنجایی که در این رویکرد، فرهنگ ارائه‌کننده بهترین و والاترین ارزش‌هاست، به ناچار به نخبه‌گرایی سوق پیدا می‌کند و تعیین و مراقبت از فرهنگ باید به عهده برگزیدگان باشد. به طور کلی در نظر گرفتن یک فرهنگ عالی در تعارض با دموکراسی فرهنگی قرار دارد. از این رو این رویکرد به تمرکزگرایی منجر می‌شود، به این معنا که هدف‌ها و ابزار از مرکز تعیین می‌شود.

در این شرایط است که دولت خود را موظف به حمایت از فرهنگ می‌بیند. از این رو بیشترین ویژگی مورد تأکید در کل سیاست‌های فرهنگی ایران «نیاز به حمایت داشتن» است و در اغلب موارد، دولت به صورت گسترده و کلی مسئول اجرای سیاست‌های فرهنگی شناخته شده است. این امر از یک سو طبیعی و قابل فهم است (چراکه مطابق تعریف ما در این مقاله صرفاً سیاست‌های فرهنگی را مورد توجه قرار داده‌ایم که از جانب دولت تصویب و مکتوب شده است)، اما اگر در متن سیاست‌ها، کمتر به سازمان‌های خاص مسئول و همچنین بخش‌های غیردولتی توجه شود، جای سؤال دارد.

دولتی بودن می‌تواند چند سطح داشته باشد. در یک سطح، از تبدیل شدن کالاهای فرهنگی به کالاهایی صرفاً دارای ارزش مادی و از افتادن فرهنگ به منطق بازار جلوگیری می‌کند تا تنها جریان سرمایه شکل‌دهنده فرهنگ نباشد. بنابراین در اینجا فرض بر این است که دولت نقش تنظیم و توزیع مناسب بازار و حمایت از محصولات کمتر پول‌ساز را بر عهده می‌گیرد.

در سطح دیگر، دولت به دنبال تسطیح کامل بر فرهنگ است. نه تنها کار توزیع و تنظیم، بلکه برنامه‌ریزی و کنترل و نظارت بر فرهنگ، آن هم نه صرفاً کالاها و محصولات هنری و ادبی بلکه نمادها و نشانه‌ها و هنجارها را هم بر عهده می‌گیرد. به علاوه اینکه در نظام موجود جهانی، دولت مسئول مقابله با فرهنگ‌های بیگانه نیز می‌شود و هر گونه عقب‌نشینی دولت در این زمینه به معنای جایگزین شدن و هجوم فرهنگ غالب جهانی شناخته می‌شود. به همین لحاظ سعی می‌شود فرهنگ بومی به خصوص از لحاظ فنی تجهیز شود.

وقتی آرمان‌های از پیش تعیین‌شده‌ای وجود دارد و سیاست‌های فرهنگی در جهت آنها و به قصد حفظ و تثبیت آنها طرح می‌شود، مفهوم مهندسی فرهنگی متجلی می‌شود.

در این صورت دولت خود را مسئول و مکلف در مورد نه تنها اوقات فراغت که کلیت زندگی افراد در جامعه می‌داند. دولت دیگر نه تنها متولی فرهنگ، که مسئول رشد و کمال انسانی در تمام ابعاد حیات بشر هم هست. مداخله همه‌جانبه دولت در فرهنگ به قصد تعیین محتوای آن و ایجاد همگرایی و تعیین مسیر برای افراد و نهادها و جهت دادن به ابتکارات و نوآوری‌ها و هویت بخشیدن به افراد جامعه است.

نقش هویت‌بخشی فرهنگ به این معنی است که به هر فرد، جایگاه او را نشان دهیم و بگوییم که چه هست. همچنین به این معناست که فرهنگ را به خودآگاه افراد بیاوریم، به افراد حسی از تعلق ببخشیم و تعلق دیگر را طرد و نفی کنیم. اما همین هویت‌سازی وقتی جنبه ایدئولوژیک می‌یابد (و در سیاست‌گذاری دولتی متبلور می‌شود) باید احساسی از کلیت و یکپارچگی را ایجاد کند و از همه تعارضات و کاستی‌های عبور کند. به دیگر سخن، این امنیت خاطر را در فرد ایجاد کند که پافشاری آن به یک هویت، او را از سایر خواسته‌های مادی و معنوی دور نمی‌کند. از این رو می‌بینیم که وسوسه‌ای در متن سیاست‌گذاری‌های فرهنگی به وجود می‌آید که همه چیزهای خوب را با هم جمع کند و سرمشق‌های مختلف همزمان در سیاست‌ها حاضر می‌شوند.

هر گروه و جریانی سعی می‌کند متغیرهای خود را بر سیاست‌گذاری فرهنگی تحمیل کند. سیاست‌های فرهنگی ایران به طور اصولی (ولی نه کامل) منطبق بر جریان اسلام‌گرایی است. در سیاست فرهنگی ایران هم شاهد طرح هنجارهای والای فرهنگی هستیم و هم اینکه کلیه شئون فرهنگی جامعه باید بر اساس این هنجارهای تنظیم شود. جریان‌های هنجار‌گرای عملی (اسلام‌گرا) فرهنگ جامعه را نیازمند حمایت، تظهير و تزکیه و محافظت در مقابل انحرافات می‌دانند. بر این اساس، تلاش برای ابراز خرده‌فرهنگ‌های مختلف و نشر محصولات فرهنگی بدون هیچ‌گونه معیار و نظارتی، معادل لیبرالیسم فرهنگی است که به هیچ وجه پذیرفته نیست. فرهنگ باید در چارچوب اعتقادات اسلامی تعریف و تنظیم شود و مشروعیت امور فرهنگی مشروط به چارچوب‌های شرعی باشد و با فرهنگ‌های بیگانه و اسلام‌ستیز مقابله شود. البته این به معنای یکسان‌سازی قهري آحاد جامعه و هدم آزادی‌های مشروع نیست، بلکه شاید از این نظر بیشتر سیاست‌ها سلبی است، یعنی قرار است که جلوی انحرافات بارز و شیوع آنها گرفته شود، نه اینکه همه افراد و عقایدشان کاملاً یک شکل شود و البته هدایت و نظارت در زمره وظایف دولت شمرده می‌شود.

اما همان‌طور که گفتیم، وسوسه جمع کردن همه چیزهای خوب در سیاست‌گذاری باعث می‌شود که شاهد هم‌نشینی عناصر متناقض در متن سیاست‌های فرهنگی باشیم. هر چند همه متون سیاست فرهنگی ایران با ارزش‌ها و اهداف کیفی و در سرمشق شریعت‌گرا آغاز می‌شود، اما آنجا که پای طرح سیاست‌ها پیش می‌آید، شاهد حضور پررنگ سرمشق‌های واقع‌گرا و توسعه‌گرا هستیم. تنوع و تکثر فرهنگی به رسمیت شناخته می‌شود، خلاقیت‌های فرهنگی و هنری و ادبی ارج نهاده می‌شود، تعاملات بین‌المللی مورد تأکید قرار می‌گیرد، مصلحت‌سنجی و محاسبه در دستور کار قرار می‌گیرد و بر توسعه و شاخص‌های متناسب با آن تأکید می‌شود.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جمع‌بندی نهایی ارزیابی سیاست‌های فرهنگی کنونی ایران را می‌توان در چند عنوان کلی به صورت زیر مورد ملاحظه قرار داد. همان‌طور که پیداست، سیاست‌های فرهنگی کنونی ایران واجد ویژگی‌های مثبت و منفی توأمان است.

- ساخت ارزش‌ها و مفاهیم والا: در سیاست‌های فرهنگی ایران، شاهد شکل گرفتن مفاهیم والا و ارزشمندی هستیم که خود می‌تواند به عنوان معیاری برای اجرای برنامه‌های فرهنگی و نقد آنها به کار گرفته شود. در واقع همین ساخته شدن مفاهیم و ارزش‌ها (مثل توجه به ارزش‌های معنوی و فضایل اخلاقی، بینش توحیدی، رفع تبعیض، همانندی و برابری انسان‌ها، کمال‌جویی و آرمان‌خواهی) حتی اگر در برنامه‌ریزی و اجرا رعایت نشود، می‌تواند منجر به شکل گرفتن فضایی هنجاری و انتقادی در عرصه فرهنگ شود.

- مقابله با فرهنگ‌های مهاجم: یکی از مهم‌ترین ارکان سیاست‌های فرهنگی ایران، توجه به فرهنگ بومی و مقاومت در مقابل فرهنگ‌های مهاجم است، به نحوی که پویایی و آفرینش فرهنگ بومی در مقابل توان فنی بالای فرهنگ‌های خارجی مختل نشود.

- ممانعت از سوداگری در فرهنگ: در سراسر سیاست‌های فرهنگی ایران، تلاش شده که مانع افتادن فرهنگ به عرصه سوداگری و منفعت‌طلبی شود. حضور دولت در عرصه فرهنگ، از همین جهت می‌تواند مفید باشد که از اقدامات فرهنگی که کمتر سودآور است، حمایت شود.

- توجه به زیرساخت‌های فرهنگی: در سیاست‌های فرهنگی ایران توجه خاصی به نوسازی و تجهیز و توسعه تجهیزات و مراکز فرهنگی و هنری، به عنوان زیرساخت‌های

فرهنگی و به قصد تقویت زمینه‌ها و امکانات لازم برای امور مختلف فرهنگی شده است. - وسیع بودن مفهوم فرهنگ: فرهنگ در سیاست‌های فرهنگی ایران وسیع و فراگیر و آمیخته با مسائل اجتماعی تعریف شده است. از این رو فرهنگ قرار است کارکردهای مثبتی در جامعه داشته باشد و بیشتر به ابزاری برای رسیدن به اهداف گوناگون تبدیل می‌شود.

- کلی بودن: همان‌طور که ذکر شد، حدود دو سوم از حجم سیاست‌گذاری‌ها به تصریح ارزش‌ها و تعیین اهداف کیفی اختصاص دارد. سیاست، به معنی واقعی کلمه، حجم کمی را به خود اختصاص داده و اهداف کمی به کلی وجود ندارد.

- دولتی بودن: مسئول اجرای سیاست‌ها و رسیدن به اهداف کیفی و در نظر گرفتن ارزش‌ها به طور کلی دولت شناخته شده است. کمتر پیش آمده که در متن هر سیاست و هدف کیفی، سازمان مشخصی در دولت مسئول اجرای آن شناخته شود. همچنین جای خالی حمایت سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌های محلی و منطقه‌ای و سازمان‌های غیردولتی به چشم می‌خورد.

- ابهام: در سیاست‌های فرهنگی ایران، حوزه عمل دولت به خوبی مشخص نشده است. به عبارتی، حدود و ثغور فعالیت‌ها و دخالت‌های دولت در امر فرهنگ مشخص نیست، چنانکه در همه مسائل و حوزه‌ها، دولت خود را دخیل می‌داند. همین عدم وضوح می‌تواند به سوء فهم در مصداق منجر شود.

- نیندیشیده‌های فراوان: سیاست‌های فرهنگی ایران نیندیشیده‌های فراوانی دارد. برای مثال دموکراسی فرهنگی، توجه به اقلیت‌ها و استفاده از فرهنگ در جهت مقابله با تبعات تمدن جای کمی در مجموعه سیاست‌های فرهنگی به خود اختصاص داده است. همچنین کمتر به جنبه‌های فردی، آزادی‌بخشی و خودبیانگری فرهنگی اشاره شده است. جنبه‌های اقتصادی فرهنگی به طور عمده نادیده گرفته شده است.

- تناقض: در میان اهداف و سیاست‌ها می‌توان تناقضاتی را مشاهده کرد. برای مثال در جایی تعاملات جهانی و همنوایی با ارزش‌های جهانی توصیه شده و در جای دیگر، این امر محدود به حدود ارزش‌های اسلامی و کشورهای اسلامی شده است. همچنین در مواردی به تنوع فرهنگی و حفظ آن توجه شده و در عین حال نگاهی هنجاری و شریعت‌گرایانه به مقوله فرهنگ و تنوع فرهنگی مسلط است. در بعضی موارد سعی شده

همه امور مطلوب با هم جمع شوند و این گونه تناقضات از اینجا ناشی می شود.

- عدم اولویت بندی: در سیاست های فرهنگی ایران دو سرمشق شریعت گرا و توسعه گرا توأمان وجود دارد، به نحوی که در مبانی و اصول و مقدمات بیشتر بر سرمشق شریعت گرا تأکید شده است، اما در بدنه و سیاست ها، سرمشق توسعه گرا پا به پای سرمشق شریعت گرا حضور دارد. از این رو اولویت گذاری مناسبی برای اهداف و سیاست ها به چشم نمی خورد و بیشتر سعی شده تا هر دو این سرمشق ها یعنی شریعت گرایی و توسعه گرایی به شکل وسوسه آمیزی با هم ترکیب شود.

- عدم تفکیک مناسب: در سیاست های فرهنگی ایران، همه دستگاه های فرهنگی و بخش های دولت مسئول اجرا هستند. از سوی دیگر همه اقشار و آحاد جامعه بدون تمایز، موضوع سیاست های فرهنگی در نظر گرفته شده و به قشر بندی و تقسیمات فرهنگی در سطح جامعه توجه چندانی نشده است.

فهرست منابع

- برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران.
سند سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۱)، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
هولستی، ال آر. (۱۳۷۳)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.